

روش نوین توزیع بودجه در سبد پروژه های عمرانی با استفاده از قانون گرانش اقتصادی - مطالعه موردی: سبد پروژه های شرکت فولاد خوزستان

فرهاد خزائلی^۱، محمدحسین آرمان^۲

۱- دانشجوی دکتری، گروه عمران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

۲- استادیار، گروه مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

farhad.khazaeli@gmail.com

خلاصه

توزیع بودجه در سبد پروژه امری بسیار مهم تلقی می شود. توزیع یکنواخت بودجه با روح تنوع پذیری سبد پروژه همخوانی ندارد بنابراین روشی مناسب است که این تنوع پذیری را در خود جای داده باشد. قانون جاذبه اقتصادی می تواند روش مناسبی برای توزیع بودجه باشد. در این قانون میزان جذب اقتصادی بستگی به بزرگی و فاصله دو اقتصاد دارد. در این تحقیق، بودجه هر پروژه و بودجه کل سبد پروژه به عنوان فاکتورهای اقتصادی در نظر گرفته شده است. همچنین فاصله میان دو اقتصاد به کمک روش TOPSIS بدست آمده است. نتایج بررسی بر روی سبدهای پروژه های فولاد خوزستان نشان داد پروژه هایی که دارای حجم بیشتر بودجه و فاصله کمتر با ایده آل هستند در اولویت قرار دارند. همچنین هر چه طول عمر سبد افزایش می یابد پروژه هایی که در نوبت های قبلی دریافت کمتری داشته اند به دلیل افزایش مطالبات در اولویت دریافت بودجه قرار می گیرند.

کلمات کلیدی: سبد پروژه، تخصیص بودجه، قانون گرانش، TOPSIS، فولاد خوزستان

۱. مقدمه

در دنیای امروز که توسعه با سرعت زیادی در حال انجام است استفاده از سبد پروژه های عمرانی ضروری می باشد. سبد پروژه بر اساس استراتژی های سازمان تشکیل می شود و اهداف کلان سازمان را دنبال می کند. مدیریت سبد پروژه یک راه برای به خدمت گرفتن استراتژی های سازمانی و پاسخ به تغییرات در استراتژی ها است [۱]. بیشتر سازمان های موفق یک برنامه پیوسته و پویا در سبد پروژه های خود دارند [۲]. تشکیل سبد پروژه امری پیچیده است.

یکی از ویژگی های سبد پروژه، نیازمند بودن به توزیع منابع خصوصاً بودجه است. بودجه به عنوان یک برنامه کامل و هماهنگ شده در حوزه مالی تعریف می شود که برای بهره برداری و تعیین منابع اقتصادی در یک دوره خاص در آینده است [۳]. مدیر سبد پروژه می بایست در شروع هر سال کاری بودجه مورد نیاز پروژه ها را مطابق با برنامه پیشرفت تهیه و ارائه کند. در صورتی که شرایط مالی مناسب باشد این امر مشکلی نخواهد داشت اما تامین بودجه کامل همیشه ممکن نیست. بهینه سازی سبد پروژه در برگیرنده طراحی و اختصاص منابع مطابق با استراتژی های سازمان و اهداف سازمان است و عواید آن را با توجه به حد مقبولیت ریسک افزایش می دهد [۴]. در بهینه سازی، پروژه هایی که دارای نتایج بهتر، عملی تر و مطمئن تری هستند در سبد باقی می مانند و مابقی پروژه ها با توجه به اولویت، در صف انتظار باقی مانده یا از برنامه های سازمان حذف می شوند.

اما در این میان تفاوت اساسی میان تخصیص بودجه و اولویت بندی وجود دارد. تخصیص بودجه نیازمند یک مدیر حسابداری است تا تصمیم گیری کند حال آنکه اولویت بندی فعالیتی است که می بایست توسط افراد کلیدی و ذینفعان انجام پذیرد و نتیجه آن توسط مدیریت حسابداری برای تخصیص بودجه استفاده می شود [۵]. این تفاوت می تواند تاثیر انتخاب را روشن کند. بنابراین جهت تخصیص بهینه، یک تصمیم گیری همه جانبه نیاز می باشد. انتخاب ترکیب مناسب سبد پروژه تنها راه شروع برای رسیدن به موفقیت است ولی اتخاذ تصمیمات درست در طول مدیریت سبد پروژه، می تواند رسیدن به موفقیت و به طور گسترده افزایش دهد [۶]. در تحقیقات انجام شده مشخص گردیده بیشتر تصمیم گیری ها در خصوص سبد پروژه، بر اساس تصمیمات نیروی انسانی بوده است و روش استاندارد و مطمئنی برای اولویت بندی و تخصیص وجود ندارد [۵] و [۷]. چهار دسته کلی جهت اولویت بندی